

## بررسی تطبیقی شرایط طلاق از سمت زوجه با رویکردی در حقوق ایران و انگلستان

محمد اسماعیل شادروان<sup>۱\*</sup>

سحر فرهود<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی تطبیقی شرایط طلاق از طرف زوجه در حقوق ایران و انگلستان و تبیین شباهت‌ها و تفاوت‌های آن بود. روش پژوهش توصیفی-تطبیقی و جمع‌آوری داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد در ایران، زوجه برای درخواست طلاق باید «عسر و حرج»، غیبت یا حبس مرد، ناتوانی در دادن نفقه یا شرط وکالت در سند ازدواج را اثبات کند؛ همچنین مواردی مانند اعتیاد، محکومیت کیفری طولانی، بیماری صعب‌العلاج یا سوءرفتار زوج می‌تواند مبنای طلاق باشد. در انگلستان، زن و مرد حقوق مساوی در درخواست طلاق دارند و نیازی به اثبات تقصیر همسر نیست، اما باید حداقل یک سال از ازدواج گذشته باشد و رابطه به فروپاشی رسیده باشد؛ شرایطی همچون جدایی طولانی، سوءرفتار، زنا، بیماری لاعلاج، خدمت طولانی یا رضایت متقابل نیز حق طلاق به زوجه می‌دهد. به‌طور کلی، هر دو نظام حقوقی به طلاق از طرف زوجه توجه دارند، اما تفاوت‌ها در حق و چگونگی اعمال آن و شباهت‌ها در دلایل منجر به طلاق قابل مشاهده است.

### واژگان کلیدی

طلاق، زوج، زوجه، حقوق ایران، حقوق انگلیس

<sup>۱</sup> هیئت علمی فقه و مبانی حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (\*نویسنده مسئول: M.shadravan1351@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (sahar.farhood79@gmail.com)

## ۱. مقدمه

ازدواج در اسلام امری مقدس و طلاق امری منفور و مبعوض شمرده شده است. آموزه‌های اسلامی تأکید دارند که طلاق باید تنها در شرایطی خاص و به عنوان آخرین راه حل انجام شود و این حق عمدتاً به مرد اختصاص یافته است. مطابق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ایران، حق طلاق به مرد واگذار شده است و اراده او برای گسستن عقد نکاح کافی است. با این حال، گاهی مشاهده می‌شود که مردان از این حق سوء استفاده کرده و به طور نامناسب از آن بهره می‌گیرند؛ برای نمونه، ازدواج‌های مکرر با هدف طلاق، که در اصطلاح «مطلقه» خوانده می‌شوند، در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته و به عنوان عملی ناپسند تلقی می‌شوند. احادیث امام باقر و امام صادق (ع) نیز بر منع چنین رفتارهایی تأکید دارند و طلاق‌های مکرر و بی‌مورد را مذموم می‌شمارند.

در نظام حقوقی اسلامی و قوانین ایران، هدف از محدودیت‌ها و قواعد مربوط به طلاق، جلوگیری از سوء استفاده و حفظ سلامت خانواده است. در حالی که مرد حق طلاق دارد، زن به طور طبیعی چنین حقی ندارد و تنها از طریق شرط ضمن عقد و وکالت بلاعزل می‌تواند حق طلاق خود را اعمال کند. سند ازدواج و شروط ۱۲ گانه ضمن عقد، امکان اعمال این حق را در موارد مشخص فراهم می‌کند، مانند عدم پرداخت نفقه توسط مرد، سوء رفتار، ابتلاء مرد به بیماری‌های خطرناک و غیرقابل درمان، اعتیاد، ترک زندگی، یا ازدواج مجدد بدون اجازه همسر در این شرایط، زن می‌تواند از طریق وکیل اقدام به طلاق کند و حقوق مالی خود از جمله مهریه، نفقه و اجرت المثل را مطالبه نماید.

با توجه به اهمیت روزافزون نظام خانواده در جوامع اسلامی و جهانی، بررسی مباحث حقوقی خانواده، به ویژه تساوی حقوق زن و مرد و جلوگیری از تبعیض‌های جنسیتی، ضروری است. این پژوهش با تمرکز بر مقایسه شرایط طلاق از طرف زن در حقوق ایران و کشورهای دیگر مانند انگلستان، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی، به تحلیل حقوقی و تطبیقی این موضوع می‌پردازد تا زمینه‌ای برای حفظ و ارتقای حقوق زنان در نظام خانواده فراهم شود.

## ۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

### مبحث اول: مفهوم طلاق

طلاق در لغت به معنای جدایی و در اصطلاح شرع و حقوق، انحلال عقد دائم است (دهخدا، ۱۳۹۴: ۶۷۴). در حقوق مدنی، طلاق ایقاعی تشریفاتی است که مرد به اذن یا حکم دادگاه زن را از زوجیت خارج می‌سازد (مواد ۱۱۲۰ به بعد ق.م). تفاوت فسخ و طلاق در اختصاص فسخ به زن و مرد، عدم لزوم تشریفات خاص در فسخ و امکان وقوع فسخ در نکاح موقت و دائم است، در حالی که طلاق صرفاً در نکاح دائم جاری است (کاتوزیان، ۱۳۹۶).

### مبحث دوم: مفهوم نشوز

نشوز در لغت به معنای نافرمانی است. در فقه و حقوق، به امتناع زوج یا زوجه از ایفای وظایف زناشویی اطلاق می‌شود. مرد ناشز در پرداخت نفقه و حسن معاشرت قصور می‌کند و زن ناشزه در تمکین. قانون حمایت خانواده (ماده ۸) نشوز زن را معادل عدم تمکین دانسته است (عمید، ۱۳۹۳: ۳۴۵).

### مبحث سوم: مفهوم نفقه

نفقه عبارت از تأمین هزینه‌های متعارف زندگی زوجه توسط زوج است و زن حتی در صورت تمکن مالی، تکلیفی به تأمین مخارج خود ندارد (مواد ۱۱۰۶ تا ۱۱۰۹ ق.م) (عمید، ۱۳۹۳: ۳۴۹).

### مبحث چهارم: مفهوم تمکین

تمکین به معنای اطاعت زوجه از زوج در امور زناشویی است که به دو بخش تقسیم می‌شود (دهخدا، ۱۳۹۴: ۳۴۹):

- تمکین خاص: اطاعت در روابط جنسی؛
  - تمکین عام: اطاعت در امور کلی زندگی مانند خروج از منزل.
- عدم تمکین زوجه، موجب سقوط حق نفقه می‌شود.

### مبحث پنجم: نظام طلاق در اسلام

اسلام ازدواج را امری مقدس و طلاق را «مبعوض ترین حلال» معرفی کرده است. با وجود این، در شرایطی که دوام زندگی مشترک موجب مشقت گردد، طلاق مشروع دانسته شده است. در طلاق رجعی شوهر حق رجوع دارد (ماده ۱۱۴۸ ق.م) که برخی آن را «حق» قابل اسقاط و برخی «حکم» غیرقابل اسقاط دانسته‌اند (گواهی، ۱۳۹۳: ۸۹).

### مبحث ششم: شرط عدم ازدواج

بر اساس مواد ۹۵۹ و ۹۴۲ ق.م شرط سلب کلی حقوق مدنی باطل است؛ ولی درج شرط عدم ازدواج مجدد در اسناد نکاح نشان از پذیرش نسبی آن دارد. در فرض تخلف، زن حق مطالبه خسارت خواهد داشت نه فسخ نکاح دوم (صفایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۸۲).

### مبحث هفتم: طلاق به درخواست زن

بر اساس مقررات قانون مدنی ایران، دو فرض اصلی برای درخواست طلاق از سوی زن پیش‌بینی شده است. نخست، مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، چنانچه دوام زندگی مشترک برای زن موجب عسر و حرج گردد، وی می‌تواند به دادگاه مراجعه کرده و تقاضای طلاق نماید. در صورت احراز عسر و حرج در دادگاه، زوج ملزم به طلاق خواهد شد و در صورتی که اجبار وی امکان‌پذیر نباشد، حاکم شرع می‌تواند زن را مطلقه سازد. دوم، با استناد به شروط ضمن عقد نکاح، چنانچه زن بتواند ثابت کند که شوهر برخلاف یکی از شروط مذکور عمل کرده است، دادگاه به وی وکالت در طلاق اعطا می‌کند. در این حالت، اگر زوج در دفترخانه حاضر نشود، زن می‌تواند به وکالت از شوهر خود را مطلقه سازد. همچنین در صورت عدم پرداخت مهریه و نفقه از سوی شوهر، این دیون بر عهده وی باقی می‌ماند، مگر آنکه زن تمام یا بخشی از آن را بذل کرده باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۱).

### مبحث هشتم: طلاق حسب توافق زن و مرد

بر اساس قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱، تمامی موارد طلاق منوط به مراجعه زوجین به دادگاه است. در این فرایند، در صورت احراز شرایط و توافق طرفین، دادگاه اقدام به صدور گواهی عدم امکان سازش می‌نماید و زوجین می‌توانند با ارائه این گواهی به دفاتر رسمی طلاق، تشریفات شرعی و قانونی جدایی را انجام دهند. در طلاق توافقی، کلیه اختلافات میان زوجین از طریق توافق دو طرف حل و فصل می‌شود که این توافق معمولاً در نظریه داوران و سپس در گواهی عدم امکان سازش منعکس می‌گردد. در عمل، اغلب مشاهده می‌شود که زنان پیش از ورود به روند رسمی دادرسی، نسبت به بذل مهریه یا سایر حقوق مالی خود اقدام می‌کنند تا رضایت شوهر را برای طلاق جلب نمایند. به این ترتیب، می‌توان گفت که در بسیاری از مواردی که طلاق بنا به درخواست زن تحقق می‌یابد، بخش یا تمامی مطالبات مالی وی مورد بذل قرار می‌گیرد و این امر به‌عنوان یکی از ویژگی‌های غالب در طلاق‌های توافقی شناخته می‌شود (زنجان، همکاران، ۱۴۱۹ ه.ق: ۱۲۷).

### مبحث نهم: سیر تحولات طلاق در قوانین ایران

بررسی تاریخی قوانین خانواده در ایران نشان می‌دهد که موجبات طلاق برای زوجه به تدریج توسعه یافته و نظام حقوقی در جهت تسهیل دسترسی زن به طلاق حرکت کرده است (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۳۵).

#### ۱. دوره نخست قانونگذاری

در قانون مدنی، حق طلاق زوجه در دو قالب پیش‌بینی شد:

طلاق قضایی: شامل امتناع شوهر از پرداخت نفقه (ماده ۱۱۲۹)، سوء معاشرت یا ترک وظایف زناشویی و ابتلا به امراض صعب‌العلاج (ماده ۱۱۳۰) و مفقودالاثار شدن شوهر (ماده ۱۰۲۹) (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹).

طلاق وکالتی: بر اساس ماده ۱۱۱۹، زن می‌تواند به‌موجب شرط ضمن عقد، وکالت در طلاق دریافت کند (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ زنجان، سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

## ۲. قوانین حمایت خانواده ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳

قانون ۱۳۴۶ با افزودن پنج مورد جدید مانند محکومیت کیفری، اعتیاد مضر و ترک زندگی مشترک، دامنه موجبات طلاق را توسعه داد (قانون حمایت خانواده مصوب، ۱۳۴۶: ۱-۵). در سال ۱۳۵۳ این موارد به چهارده مورد افزایش یافت و مصادیق جدیدی همچون نازایی و عدم تبعیت از دستورات دادگاه افزوده شد (قانون حمایت خانواده مصوب، ۱۳۵۵: ۱۴-۸).

## ۳. قوانین پس از انقلاب اسلامی

با تصویب لایحه دادگاه مدنی خاص (۱۳۵۸)، مقررات دو قانون پیشین نسخ شد و موجبات طلاق به همان موارد قانون مدنی و احکام شرع محدود گردید. به این ترتیب، روند توسعه اسباب طلاق متوقف و نظام حقوقی به وضعیت نخست بازگشت (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۳۵).

**مبحث دهم: اثر نشوز زوج در طلاق به درخواست زوجه**

## ۱. وظایف غیرمالی زوج

مطابق ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی، زوجین موظف به رعایت حسن معاشرت با یکدیگر هستند، اما ضمانت اجرای مشخصی برای آن پیش‌بینی نشده است. برخی حقوقدانان معتقدند بند ۴ تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی تا حدودی ضمانت اجرای سوء معاشرت را فراهم می‌کند؛ با این حال، چون این ماده مبتنی بر قاعده نفی حرج و از احکام ثانویه فقه است، کفایت ضمانت اجرا را ندارد و نیازمند اصلاح قانونی است (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ زنجانی سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۲۷-۱۳۵).

## ۲. ترک انفاق و ضمانت اجرای کیفری

ماده ۵۳ قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱) ترک انفاق را جرم خصوصی تلقی کرده و تعقیب کیفری آن منوط به شکایت شاکی خصوصی است. این قانون صرفاً ناظر بر نفقه آینده است و بدهی نفقه گذشته را شامل نمی‌شود. تفسیر مضیق در امور کیفری و مصلحت خانواده، باعث محدودیت اجرای این مجازات شده است (قانون حمایت از خانواده، مصوب، ۱۳۹۱: ۵۳).

## ۳. حق طلاق مرد و تحولات قانونی

ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی اختیار انحصاری طلاق را به مرد می‌دهد، بر اساس موازین فقهی و شرعی، با دلایل مرتبط با نقش خاص مرد در تأمین زندگی مشترک و کنترل خانواده. قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ برای نخستین بار این اختیار را شکلی تعدیل نمود و درخواست طلاق مرد را مشروط به دریافت گواهی عدم امکان سازش از دادگاه کرد (قانون حمایت خانواده مصوب، ۱۳۴۶: ۱۲-۱۱).

با تصویب قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، موجبات طلاق زن از ۵ مورد به ۱۴ مورد افزایش یافت و ابهامات ناشی از نسخ یا ابقاء ماده ۱۱۳۳ برطرف شد. پس از انقلاب اسلامی و تصویب لایحه دادگاه مدنی خاص (۱۳۵۸)، بسیاری از مقررات قانون حمایت خانواده نسخ شد و دامنه طلاق صرفاً به موارد قانون مدنی و احکام شرعی محدود گردید. اصلاحات بعدی (۱۳۶۱ و ۱۳۷۰) ماده ۱۱۳۰ و سایر مواد مرتبط با طلاق قضایی را شفاف‌سازی کرد تا مسیر درخواست طلاق توسط زن یا حکم دادگاه مشخص شود (لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص، ۱۳۵۸: ۱۵-۳؛ زنجانی سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۷؛ قانون حمایت خانواده مصوب، ۱۳۵۳: ۱۴-۸).

## ۴. شیوه‌های انحلال نکاح در دادگاه

طلاق به حکم دادگاه: زن با رعایت شرایط قانونی می‌تواند تقاضای طلاق کند و دادگاه با استناد به مواد ۱۰۲۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ اصلاحی قانون مدنی، حکم طلاق را صادر می‌کند.

طلاق به وکالت زن: بر اساس ماده ۱۱۱۹، زن می‌تواند به وکالت از شوهر خود، طلاق دریافت کند. این شیوه نمایندگی زن از شوهر را شامل می‌شود و خلافی ندارد (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ زنجانی سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۷؛ قانون حمایت خانواده مصوب، ۱۳۵۳: ۱۴-۸).

## شرایط طلاق از طرف زوجه در حقوق ایران

### مبحث اول: موارد طلاق به درخواست زوجه

زن می‌تواند در چهار مورد از دادگاه درخواست طلاق نماید: (۱) خودداری یا عجز شوهر از پرداخت نفقه، (۲) عسر و حرج، (۳) غیبت شوهر، (۴) وکالت زن در طلاق.

۱. خودداری یا عجز شوهر از پرداخت نفقه

حق دریافت نفقه، بر اساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، بر عهده شوهر است و شامل مسکن، البسه، غذا، اثاثیه منزل، هزینه‌های درمانی و خادم در صورت نیاز می‌شود (ماده ۱۱۰۷ و اصلاحیه ۱۳۸۱) (ابهری، ۱۳۸۸: ۵۲-۳۷). در صورت استنکاف شوهر، زن می‌تواند طبق ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی برای طلاق به دادگاه مراجعه کند. تکلیف به انفاق بر اساس نظر قانون مدنی از زمان تحقق عقد نکاح برقرار می‌شود و تمکین زن شرط محق بودن او برای نفقه نیست، اگرچه ناشزه بودن مانع دریافت نفقه می‌شود (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ زنجانی سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۷).

۲. عسر و حرج

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به زن اجازه می‌دهد در صورت تحمل عسر و حرج، برای طلاق اقدام کند. قاعده فقهی نفی عسر و حرج مبنای این ماده است و تبصره آن مصادیق شامل ترک زندگی خانوادگی، اعتیاد یا سوء رفتار زوج، محکومیت قطعی، ضرب و شتم، ابتلاء به بیماری صعب‌العلاج و سایر موارد مشابه است (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ زنجانی سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۷) معیار تشخیص عسر و حرج ترکیبی از معیار نوعی و شخصی است و دادگاه در هر مورد بر اساس شرایط زوجه، حکم طلاق صادر می‌کند. بسیاری از این موارد در شروط ضمن عقد نیز پیش‌بینی می‌شود (صفایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۵؛ عمید، ۱۳۹۳: ۹۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۷۶۳).

۳. غیبت شوهر

زن می‌تواند در صورت غیبت مفقودالامر شوهر برای طلاق اقدام کند. ماده ۱۰۱۱ قانون مدنی غائب مفقودالامر را کسی می‌داند که از او به مدت طولانی خبری نباشد و ماده ۱۰۲۹ اجازه طلاق زن پس از چهار سال غیبت را مقرر کرده است. اجرای حکم طلاق مستلزم انتشار آگهی‌های لازم در جراید و طی یک سال از تاریخ انتشار اولین آگهی است (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ قانون حمایت از خانواده، ۱۳۴۶، ۱۱).

۴. وکالت زن در طلاق

ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی به طرفین اجازه می‌دهد در ضمن عقد نکاح، زن را وکیل در طلاق کند. این وکالت معمولاً شامل مواردی مانند ارتکاب جرم توسط شوهر، اعتیاد، انتخاب همسر دوم یا غیبت طولانی است (قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، مصوب، ۱۳۱۳: ۱۱۳۰-۱۰۲۹؛ زنجانی سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۷). شرط ضمن عقد معتبر باید مخالف مقتضای ذات عقد و قواعد شرع نباشد. فقه امامیه قول مشهور بر جواز توکیل زن در طلاق است، اگرچه برخی فقها مانند شیخ طوسی آن را صحیح نمی‌دانند (عراقی، ۱۳۸۹: ۳۶؛ زنجانی سید موسی شبیری، ۱۳۷۷: ۱۳۵-۱۳۷).

در مجموع، این چهار مورد اصلی، چارچوب قانونی و فقهی درخواست طلاق از سوی زن را شکل می‌دهند و دادگاه بر اساس مواد مدنی و شروط ضمن عقد، حکم طلاق صادر می‌کند.

### مبحث دوم: بررسی مواد قانونی اختیار زوجه در طلاق (خلاصه علمی)

اختیار قانونی زوجه در طلاق در حقوق ایران از سال ۱۳۱۰ آغاز شد و طی اصلاحات متعدد گسترش یافت.

۱. پیشینه قانونی

۱۳۱۰ ش: زن می‌توانست در صورت استنکاف شوهر از نفقه به دادگاه مراجعه و در صورت عدم اجرای حکم، درخواست طلاق کند.

۱۳۱۳ ش: ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی حق طلاق زن در صورت غایب مفقودالاثر بودن زوج را به رسمیت شناخت.  
 ۱۳۱۴ ش: ماده ۱۱۱۹ حق وکالت به زن در مطلقه ساختن خود را معتبر شمرد؛ مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ قانون مدنی، موارد طلاق به درخواست زن را شامل استنکاف یا عجز شوهر از نفقه، سوء معاشرت و بیماری‌های خطرناک دانست (مطهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸).

۲. توسعه اختیارات زوجه

۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ ش: قوانین حمایت خانواده، موجبات طلاق زن را توسعه داد و حق وکالت بلاعزل را برای مواردی مانند ترک زندگی خانوادگی، اعتیاد، ارتکاب جرم و ازدواج مجدد پیش‌بینی کرد. همچنین ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی نسخ ضمنی شد و اختیارات مرد محدود گردید (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۰: ۷۸-۱۵).

۳. اصلاحات پس از انقلاب اسلامی

۱۳۵۷ تا ۱۳۸۱ ش: اصلاح ماده ۱۱۳۰ با استفاده از عبارت «عسر و حرج» جایگزین مصادیق محدود شد و تبصره‌ای برای تعیین نمونه‌های عسر و حرج پیش‌بینی شد. ماده ۱۱۳۳ اصلاح شد تا مرد و زن هر دو با رعایت شرایط قانونی بتوانند از دادگاه درخواست طلاق کنند (موسوی گرمارودی، ۱۳۹۰: ۷۸-۱۵).

### مبحث سوم: ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی (عدم پرداخت نفقه)

ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی ایران، شرایط و مقررات مربوط به طلاق در صورت غیبت مفقودالاثر زوج را مشخص می‌کند. بر اساس این ماده، زوجه می‌تواند پس از گذشت چهار سال از غیبت زوج، درخواست طلاق کند، مشروط بر اینکه از زمان غیبت، مدت چهار سال گذشته باشد و در صورت اثبات عسر و حرج قبل از این مدت، امکان درخواست طلاق وجود دارد. تعریف غایب مفقودالاثر در قانون مدنی، فردی است که برای مدت نسبتاً طولانی غایب بوده و خبری از زنده بودن یا مردن او در دست نیست، و تشخیص طولانی بودن غیبت بر عهده عرف است.

در مورد مبدأ محاسبه چهار سال، اکثر حقوقدانان معتقدند که این مدت از زمان غیبت زوج باید محاسبه شود، نه از زمان رجوع زوجه به دادگاه. همچنین، ماهیت طلاق بر اساس ماده ۱۰۳۰ قانون مدنی، رجعی است، به این معنا که در صورت رجوع زوج قبل از انقضای مدت عده، حق رجوع دارد. اما در مواردی که طلاق بر اساس ماده ۱۰۲۹ صادر می‌شود، ماهیت آن در قانون مشخص نشده و در میان فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد (محقق داماد، ۱۴۰۲: ۳۶۴).

این مقررات، بر اساس احادیث فقهی و با هدف حمایت از حقوق زوجه در شرایط غیبت طولانی زوج، تدوین شده است و نیازمند رعایت تشریفات قانونی و اثبات عسر و حرج است.

### مبحث چهارم: وضعیت مالی زوجه در رابطه با عدم انفاق

ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد که در صورت عدم پرداخت نفقه توسط زوج و عدم امکان الزام او، حق طلاق برای زوجه برقرار می‌شود، بدون آنکه وضعیت مالی زوجه مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، ماده مزبور مطلق بوده و شرط نیاز مالی زوجه را برای درخواست طلاق پیش‌بینی نکرده است.

برخی حقوقدانان، از جمله دکتر کاتوزیان، معتقدند که بهتر است حق طلاق تنها زمانی برقرار شود که زوجه نیز توانایی مالی برای اداره زندگی مشترک نداشته باشد، تا از سوءاستفاده و تضاد با اهداف تشکیل خانواده جلوگیری شود. با این حال، نقد این دیدگاه بر این استوار است که مرز حقوق و اخلاق جداست و ایجاد حق طلاق نباید به وضعیت مالی زوجه مشروط شود. استحقاق زوجه نسبت به نفقه ناشی از عقد دائم و تمکین اوست و اعسار یا توان مالی زوج یا زوجه تأثیری در حق درخواست طلاق ندارد. بنابراین، حتی زوجه‌ای که قادر به تأمین نیازهای مالی خود است، در صورت عجز زوج از انفاق حق درخواست طلاق دارد (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۳۳).

در خصوص رسیدگی قضایی، ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی امکان مراجعه زوجه به دادگاه برای تعیین میزان نفقه و الزام زوج به پرداخت آن را فراهم کرده است. اگر حکم نفقه به علت اعسار زوج قابل اجرا نباشد، طبق ماده ۱۱۱۲ و ارجاع به ماده ۱۱۲۹، حق طلاق برای زوجه ایجاد می‌شود.

### مبحث پنجم: ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی و عسر و حرج زوجه

ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی حق طلاق را برای زوجه در صورت وجود «عسر و حرج» مقرر می‌کند. عسر و حرج به وضعیتی گفته می‌شود که ادامه زندگی برای زن با مشقت شدید همراه باشد. تبصره الحاقی ماده، مصادیقی تمثیلی از آن را بیان می‌کند (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۱۱۳):

۱. ترک زندگی خانوادگی توسط زوج (۶ ماه متوالی یا ۹ ماه متناوب در یک سال) بدون عذر موجه؛
  ۲. اعتیاد زوج به مواد مخدر یا مشروبات الکلی که زندگی مشترک را مختل کند (جلالی، ۱۴۰۰: ۱۱۵)؛
  ۳. محکومیت قطعی زوج به حبس پنج سال یا بیشتر (با امکان بررسی حبس کمتر در صورت ایجاد عسر و حرج) (ارجمند دانش، ۱۳۸۴: ۹۹)؛
  ۴. ضرب و شتم یا سوءرفتار مستمر (بازگیر، ۱۳۸۹: ۱۶۴)؛
  ۵. ابتلاء به بیماری صعب‌العلاج که زندگی مشترک را مختل کند.
- دو شرط اساسی برای اجرای ماده وجود دارد: عسر و حرج باید هنگام طرح دعوا موجود باشد و زوجه مسئول اثبات آن است. دادگاه با توجه به وضعیت زوجه و معیارهای عرفی، صحت مدعا را بررسی می‌کند. مصادیق ماده تمثیلی‌اند و امکان رسیدگی به سایر موارد عسر و حرج نیز محفوظ است.

### مبحث ششم: مصادیق عسر و حرج زوجه در فقه و قانون مدنی

مصادیق عسر و حرج زوجه به گونه‌ای تعریف می‌شوند که ادامه زندگی مشترک برای زن با مشقت غیرقابل تحمل همراه باشد. این مفهوم در فقه و ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مورد توجه است و شامل موارد زیر است:

۱. غیبت یا ترک زندگی خانوادگی توسط زوج: شامل غایب مفقودالاثر یا ترک عمدی خانه به مدت حداقل شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در یک سال بدون عذر موجه، که پیش از تحقق شرایط ماده ۱۰۲۹ نیز می‌تواند مبنای صدور حکم طلاق باشد (رضایی، ۱۳۸۳: ۶۲).
۲. اعتیاد زوج به مواد مخدر یا مشروبات الکلی: در صورتی که اعتیاد به اساس زندگی مشترک خلل وارد کند و امکان الزام وی به ترک نباشد، طلاق به درخواست زوجه ممکن است، با شرط احراز عسر و حرج توسط دادگاه.
۳. محکومیت قطعی به حبس طولانی: حبس پنج سال یا بیشتر موجب ایجاد عسر و حرج تلقی می‌شود، اما حتی حبس کوتاه‌تر نیز در صورت تحمل‌ناپذیر بودن وضعیت می‌تواند حق طلاق ایجاد کند (عابدینی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).
۴. ابتلاء به بیماری‌های صعب‌العلاج یا روانی: بیماری‌هایی که زندگی مشترک را مختل و تحمل آن را برای زوجه دشوار می‌کند، مستند حق طلاق قرار می‌گیرند (لطفی، ۱۳۹۸: ۶۸).
۵. سوءرفتار و خشونت مستمر زوج: ضرب و شتم یا رفتارهای مستمر که عرفاً غیرقابل تحمل باشد، موجب ایجاد حق طلاق می‌شود.
۶. سایر مصادیق: شامل عقیم بودن زوج، بی‌عدالتی در رفتار با همسر، ایراد تهمت ناروا، اجبار زن به کارهای خلاف شرع یا شأن او، ادامه شغلی که منافی مصالح خانواده یا حیثیت زن باشد، و ارتکاب اعمال منافی عفت یا جرایم مغایر با حیثیت خانواده (گواهی، ۱۳۷۳: ۵۸).

در همه این موارد، وجود عسر و حرج باید هنگام طرح دعوا موجود باشد و اثبات آن بر عهده زوجه است. دادگاه با توجه به وضعیت و شخصیت زن و معیارهای عرفی، صحت مدعا را ارزیابی می‌کند و مصادیق ماده ۱۱۳۰ تمثیلی بوده و امکان رسیدگی به سایر موارد عسر و حرج نیز محفوظ است.

خلاصه علمی تر مبحث هفتم:

### مبحث هفتم: درخواست طلاق به علت امتناع نفقه و عدم ایفای وظایف زناشویی

مطابق مواد ۱۰۲۹ و ۱۱۲۹ قانون مدنی، زن می‌تواند در صورت غیبت چهار ساله شوهر یا استنکاف/عجز او از پرداخت نفقه، برای طلاق به حاکم مراجعه کند. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی عسر و حرج را به عنوان موجبات عام طلاق معرفی می‌کند و دادگاه می‌تواند با احراز شرایط مادی و روحی زوجه، حکم طلاق صادر کند. معیار تشخیص عسر و حرج شخصی است و زن باید آن را اثبات کند. رویه قضایی نیز این دیدگاه را تأیید کرده است و ملاک شروع غیبت در ماده ۱۰۲۹ زمان غیبت واقعی است نه زمان مراجعه به حاکم (صفایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۹۹؛ شکاری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۴۱).

### مبحث هشتم: اقدامات پس از فحس و حکم حاکم

طبق مواد ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ قانون مدنی، پس از چهار سال غیبت شوهر و رعایت تشریفات قانونی، حاکم زوجه را طلاق می‌دهد و زوجه موظف به نگه داشتن عده است. در صورت عسر و حرج زوجه، حتی پیش از گذشت چهار سال غیبت، می‌تواند بدون رعایت تشریفات، به حاکم مراجعه و درخواست طلاق کند (ماده ۱۱۳۰ ق.م). این ماده شامل زوجه دائمه و منقطعه نیز می‌شود و ملاک تشخیص عسر و حرج وضعیت مادی، روحی و خانوادگی زن است. طلاق صادره به درخواست زن بر اساس مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰، ماهیتاً بائن است و شوهر غائب حق رجوع در مدت عده ندارد، زیرا هدف قانون رفع عسر و حرج زوجه و پایان دادن به اختلال زندگی زناشویی است (شکاری، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۴۱).

### مبحث نهم: طلاق زن از طریق وکالت ضمن عقد

زن می‌تواند به وکالت از شوهر، بر اساس شرط ضمن عقد، طلاق بگیرد. این طلاق معمولاً بائن است و زن را بلافاصله از قید ازدواج آزاد می‌کند. برای جلوگیری از رجعی شدن طلاق، گاهی لازم است وکالت در قبول بدل فدیة نیز لحاظ شود. شروط معمول ضمن عقد که حق درخواست طلاق به زن می‌دهد (علایی نوین، ۱۳۸۹: ۱۲۷):

- استنکاف شوهر از پرداخت نفقه یا حقوق واجب.
- سوء رفتار یا سوء معاشرت شوهر.
- ابتلای شوهر به بیماری صعب‌العلاج یا جنون.
- ترک زندگی خانوادگی یا غیبت طولانی.
- ازدواج مجدد شوهر بدون رضایت زن.
- محکومیت شوهر به مجازات‌های سنگین یا اعتیاد مضر.
- نازایی یا عدم فرزندآوری پس از پنج سال.
- مفقودالاثر شدن شوهر.

طلاق خلع و مبارات:

زن با پرداخت مالی به شوهر، زندگی مشترک را پایان می‌دهد. تا زمان رجوع به عوض، طلاق بائن است و احکام زوجیت منتفی می‌شود. در صورت رجوع زن به عوض، طلاق رجعی و احکام مربوط به مدت باقیمانده عده اجرا می‌شود (صفایی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۶۴).

این مکانیسم‌ها، ابزار قانونی مهمی برای حفظ حقوق زن و امکان رهایی از ازدواج دشوار فراهم می‌کنند.

## شرایط طلاق از طرف زوجه در حقوق انگلیس

### مبحث اول: منابع حقوق انگلستان

حقوق انگلستان مبتنی بر چهار منبع اصلی است: قوانین موضوعه مصوب پارلمان، رویه قضایی، قوانین اتحادیه اروپا و کنوانسیون حقوق بشر اروپایی. مهم‌ترین نهاد قانونگذار، پارلمان است که از دو مجلس عوام و لردها تشکیل شده و قوانین آن در سراسر بریتانیا اعمال می‌شود. نواحی اسکاتلند، ولز و ایرلند شمالی دارای مجالس منطقه‌ای محدود هستند (هنریان و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۶).

### مبحث دوم: طبقه‌بندی حقوق انگلستان

حقوق انگلستان به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: حقوق عمومی، که روابط بین دولت و شهروندان را تنظیم می‌کند، و حقوق خصوصی، که روابط میان افراد و سازمان‌های خصوصی را پوشش می‌دهد. همچنین تقسیم‌بندی به حقوق مدنی (قراردادها، خانواده، استخدام، وصیت) و حقوق کیفری (تعیین حدود رفتارهای مجاز و مجازات جرایم) اهمیت دارد (سروریان، ۱۳۸۳: ۲۲۹-۲۰۳).

### مبحث سوم: اجرای حقوق مدنی

در دعای مدنی، مدعی مسئول اثبات تقصیر است و دادگاه‌ها بسته به ارزش دعوا به دو سطح محلی (کمتر از ۵۰,۰۰۰ پوند) و عالی (بیشتر از ۵۰,۰۰۰ پوند) تقسیم می‌شوند. جبران خسارت معمولاً مالی است، اما می‌تواند به صورت دستور منع یا اقدامات دیگر نیز باشد.

### مبحث چهارم: اجرای حقوق کیفری

در امور کیفری، پلیس تحقیقات و بازجویی انجام می‌دهد و دادسرا مسئول اثبات جرم است. دادگاه‌ها براساس اهمیت جرم تقسیم می‌شوند: جرائم کوچک در دادگاه مجستری، و جرائم سنگین مانند قتل و تجاوز در دادگاه شاهی با هیئت منصفه رسیدگی می‌شوند. مجازات‌ها شامل غرامت، زندان و خدمات اجتماعی است (نقوی و کرامتی، ۱۳۹۶: ۹۸).

### مبحث پنجم: ازدواج در جامعه انگلیس

ازدواج به عنوان هنجار قانونی و نماد اجتماعی، مسئولیت‌ها و تعهدات زوجین نسبت به یکدیگر و فرزندان را مشخص می‌کند. روندهای آماری نشان می‌دهد ازدواج‌های اولیه کاهش یافته و طلاق افزایش یافته است. عواملی مانند سن ازدواج بالاتر، استقلال اقتصادی زنان و تغییر نگرش اجتماعی، تمایل به زندگی بدون ازدواج را افزایش داده است (سروریان، ۱۳۸۳: ۲۲۹-۲۰۳).

### مبحث ششم: طلاق در حقوق انگلیس

طلاق در انگلیس به سه شکل قانونی، مشروط و باین صورت می‌گیرد و میزان آن رو به افزایش است. ۳۰ درصد کودکان قبل از ۱۶ سالگی طلاق والدین را تجربه می‌کنند. عوامل مؤثر بر طلاق شامل اختلاف طبقاتی، مذهبی، فشار اجتماعی، ازدواج در سنین پایین، دوره‌های طولانی جدایی و ازدواج مجدد است. تغییرات حقوقی، اقتصادی و نگرش اجتماعی نیز موجب سهولت در طلاق و افزایش نرخ آن شده است (بلیک، ۱۹۸۲: ۲۵۶).

### مبحث هفتم: شرایط طلاق زوجه در حقوق انگلستان

در حقوق انگلستان، زوجه می‌تواند طلاق را در سه حالت درخواست کند:

۱. جدایی زوجین: زندگی جداگانه حداقل یک سال، شامل فقدان روابط زناشویی یا سکونت جداگانه؛ دیوانگی، بیماری طولانی یا مشاغل با جدایی طولانی نیز مؤثر است.
۲. اثبات زنا: رابطه جنسی داوطلبانه زوج با شخص غیر همسر، با اقرار یا ارائه شواهد معتبر (دورانت به ترجمه حسین کمیاب، ۱۳۹۳: ۶۸).
۳. سوء رفتار زوج: رفتار فیزیکی یا روانی که زندگی مشترک را غیرقابل تحمل کند، شامل آزار روانی، اعتیاد، روابط غیرطبیعی، انتقاد یا عیب‌جویی مداوم (ردموند، به ترجمه قادر احمدی، ۱۹۶۶: ۶۵).

در نتیجه گیری می توان گفت طلاق زوجه در انگلستان بر مبنای جدایی، زنا یا سوء رفتار تأیید می شود و معیارها بر اساس قانون و استانداردهای اجتماعی سنجیده می شوند.

#### مبحث نهم: طلاق زوجه بر اساس قاعده رضایت متقابل

- امکان طلاق خارج از دوره انتظار قانونی با رضایت کتبی زوجین
- شرایط لازم: عدم وجود فرزند مشترک، توافق نامه کتبی برای تقسیم اموال و اقامت، و رضایت کتبی هر دو طرف

#### مبحث دهم: رفتار خشونت آمیز و اهانت آمیز زوج

- سوء رفتار جسمی یا روانی که سلامت زوجه یا فرزند را به خطر اندازد
- شدت خشونت و برنامه ریزی رفتار بی رحمانه برای صدور طلاق ضروری است (رادفورد، ۲۰۰۵: ۱۲۹).

#### مبحث یازدهم: جنون زوج و درخواست طلاق توسط زوجه

- دیوانگی دائمی زوج که توسط حداقل دو پزشک تأیید شده و حداقل سه سال تحت مراقبت بوده باشد

#### مبحث دوازدهم: وضعیت اقتصادی زن طبق قانون جدید انگلستان

- قانون ۱۹۹۶ م تغییرات حقوق مالی و حمایت از زنان را منعکس می کند
- تأکید بر توافق زوجین در زمان زندگی مشترک و پیشگیری از آثار روحی و اقتصادی طلاق

#### مبحث سیزدهم: نفقه زوجه در قوانین انگلستان

- تعهد قانونی شوهر به تأمین مالی همسر در زمان زوجیت
- مسئولیت متقابل زوجین از سال ۱۹۶۸
- نفقه طبق توافق یا مراجعه به دادگاه (گواهی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۷)

#### مبحث چهاردهم: نفقه و تقسیم اموال پس از انحلال نکاح

- تعیین نفقه و تقسیم اموال از طریق توافق یا دادگاه
- عوامل مؤثر: توافق پیش از ازدواج، خانه مشترک، وجود فرزند، سن، طول ازدواج، ارزش املاک
- تغییرات رویه قضایی پس از حکم طلاق «وایت» و مثال عملی

#### مبحث پانزدهم: ضمانت اجرای نفقه زوجه

- نفقه فاقد وصف جزایی است و اجرای آن از طریق توقیف درآمد یا اموال انجام می شود
- امکان تعلیق پرداخت نفقه در صورت اعسار زوج (محمدزاده پاکدل و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴).

مطالعات متعدد بر حق طلاق زوجه در حقوق ایران و فقه امامیه تمرکز داشته اند. دری و افراکتی (۱۳۹۵) حق طلاق زوجه را از منظر فقه امامیه و قانون مدنی ایران بررسی کرده و بر اهمیت حقوق زنان و تأثیر ترک انفاق، غیبت طولانی و عسر و حرج زوجه تأکید کردند. آنان پیشنهاد دادند که قوانین مربوط به دادرسی طلاق به گونه ای اصلاح شود تا فرآیند طولانی طرح دعوا برای زوجه تسهیل گردد.

سکینه آذری و همکاران (۱۳۹۴) نیز جایگاه خانواده و تکالیف متقابل زوجین را مورد توجه قرار دادند و تأکید کردند که وجوب نفقه مرد، حق طلاق زن را در صورت استنکاف یا عجز مرد ایجاد می کند. کردکندی (۱۳۹۴) با رویکرد تطبیقی ایران و ترکیه، تفاوت موجبات طلاق زوجه و مرد را بررسی کرد و نشان داد که در ایران مرد بدون اثبات موجبات خاص می تواند طلاق دهد، اما زن تنها در صورت احراز شرایط معین می تواند درخواست طلاق داشته باشد.

عبدالوهاب پور (۱۳۹۴) اختیار زوجه در طلاق را از منظر فقه و حقوق ایران تحلیل کرده و مواردی مانند استنکاف نفقه، غیبت، عسر و حرج، طلاق خلع و وکالتی را به عنوان شرایط حق طلاق زن برشمرد. پرهام مهر (۱۳۹۴) نیز وکالت در طلاق

را به عنوان راهی برای تعدیل حق انحلال یک‌جانبه مرد بررسی نمود و تأکید کرد که از طریق وکالت ضمن عقد، می‌توان حقوق زوجه را در انحلال نکاح تقویت کرد و تعادل میان طرفین برقرار نمود. این پیشینه‌ها نشان می‌دهند که حقوق زن در طلاق تحت شرایط مشخص و از طریق ابزارهایی مانند شرط ضمن عقد و وکالت بلاعزل قابل اعمال است و اصلاح قوانین و رویه‌های قضایی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای عدالت و تساوی حقوقی بین زوجین داشته باشد.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی - تطبیقی می‌باشد که بر مبنای اطلاعات جمع‌آوری شده و توصیف و تحلیل داده‌ها، فیش برداری‌های لازم صورت گرفته و پس از پایش کلیه‌ی یادداشت‌ها، نگارش و تدوین انجام یافته است.

### ۴. یافته‌های پژوهش

مطالعه حاضر مقایسه‌ای میان شرایط و ماهیت طلاق از سوی زوجه در حقوق ایران و انگلستان انجام داده است. نتایج نشان می‌دهد:

#### ۱. حقوق ایران:

حق طلاق اساساً در اختیار مرد است، اما در موارد خاصی زن نیز می‌تواند درخواست طلاق دهد (مثلاً بر اساس تبصره الحاقی ماده ۱۱۳۳ ق.م و شرایط مربوط به مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰).

دلایل قابل پذیرش برای درخواست طلاق توسط زن شامل: عسر و حرج، عجز یا استنکاف شوهر از پرداخت نفقه، اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی، ابتلاء شوهر به بیماری‌های صعب‌العلاج، غیبت طولانی یا محکومیت قطعی به حبس است. طلاق ماهیتاً یک ایقاع است که به اراده مرد محقق می‌شود؛ صدور گواهی عدم امکان سازش تنها مجوز قانونی برای اجرای اراده مرد است.

#### ۲. حقوق انگلستان:

هر یک از زوجین می‌توانند به طور برابر درخواست طلاق کنند.

شروط مهم طلاق توسط زوجه شامل:

جدایی زوجین برای مدت مشخص (حداقل یک سال) یا زندانی بودن زوج.

اثبات زنا یا سوء رفتار فیزیکی/روحی زوج.

دیوانگی یا بیماری طولانی و لاعلاج زوج که موجب قصور در تعهدات زناشویی شود.

طلاق تشریفاتی و قضایی است؛ حکم دادگاه پایان رابطه زناشویی را تأمین می‌کند و نیاز به اقدام دیگری نیست.

قوانین طلاق گسترده و جامع‌تر بوده و شامل نکاح دائم و منقطع نمی‌شود و تمامی مراحل زیر نظر محاکم انجام می‌شود.

#### ۳. تشابه و تفاوت‌ها:

تشابه‌ها (محتوایی): دلایل طلاق در هر دو نظام حقوقی شامل سوء رفتار، عدم پرداخت نفقه، ابتلاء به بیماری‌های صعب‌العلاج، اعتیاد، غیبت یا زندانی بودن زوج است.

تفاوت‌ها (ماهوی): در ایران طلاق ماهیتاً ایقاعی و حق مرد است، در حالی که در انگلستان طلاق یک فرآیند قضایی است که هم زن و هم مرد می‌توانند درخواست دهند و صدور حکم دادگاه کافی است. این تفاوت ناشی از نگاه قانونگذار و اقتباس قوانین ایران از شریعت اسلامی است.

## ۴. جمع‌بندی:

فرضیه پژوهش مبنی بر تشابه محتوایی و تفاوت ماهوی شرایط طلاق زوجه در ایران و انگلستان تأیید می‌شود. قوانین انگلستان جامعیت و گستردگی بیشتری دارند و روند حقوقی، دلایل و شرایط طلاق از سوی زوجه در آن نظام حقوقی ساختارمندتر است.

## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی انجام‌شده در مباحث مختلف این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که نظام حقوقی ایران، علی‌رغم حفظ مبانی فقهی سنتی در حوزه نکاح و طلاق، در مسیر تحول و انطباق با مقتضیات اجتماعی حرکت کرده است. حق طلاق در فقه امامیه و قانون مدنی ایران، در اصل به مرد واگذار شده، اما قانون‌گذار با الهام از قواعد فقهی همچون \*نفی عسر و حرج\* و اصول انصاف و عدالت، زمینه‌هایی را برای اعمال این حق از سوی زن نیز فراهم نموده است. مواد ۱۱۲۹، ۱۱۳۰ و ۱۰۲۹ قانون مدنی و نیز ماده ۱۱۱۹ درباره وکالت در طلاق، مهم‌ترین مبانی قانونی طلاق به درخواست زوجه را تشکیل می‌دهند و به مرور زمان از طریق اصلاحات قانونی (۱۳۴۶، ۱۳۵۳، ۱۳۷۰ و ۱۳۹۱) توسعه یافته‌اند.

در این میان، مفهوم \*عسر و حرج\* بیشترین نقش را در تسهیل طلاق قضایی برای زنان ایفا کرده است؛ زیرا امکان طرح مصادیق جدید متناسب با شرایط روز جامعه را برای دادگاه‌ها فراهم می‌کند. مصادیقی نظیر ترک انفاق، اعتیاد مضر، سوءرفتار مستمر، محکومیت کیفری طولانی‌مدت، یا بیماری‌های صعب‌العلاج از مهم‌ترین نمونه‌های احراز عسر و حرج محسوب می‌شوند. همچنین، شرط وکالت بلاعزل زوجه در طلاق در ضمن عقد نکاح، یکی از ابزارهای عملی برای تحقق عدالت در روابط خانوادگی است که از تضييع حقوق زنان در موارد سوءاستفاده مرد از حق طلاق جلوگیری می‌کند.

بررسی تطبیقی قوانین ایران با نظام‌های حقوقی دیگر مانند انگلستان نشان می‌دهد که در حالی که در نظام‌های غربی، طلاق بر مبنای \*اراده مشترک یا انحلال مبتنی بر فروپاشی زندگی زناشویی\* استوار است، در ایران همچنان پیوند میان احکام شرعی و مصالح خانوادگی نقش اصلی را دارد. با این حال، اصلاحات صورت‌گرفته در قوانین حمایت خانواده نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی نیز در جهت تعدیل قدرت مطلق مرد و ایجاد تعادل در حقوق زوجین گام برداشته است.

در نهایت، می‌توان گفت که هرچند نظام حقوقی ایران در مقایسه با کشورهای غربی هنوز در برخی ابعاد با محدودیت‌هایی برای زنان در زمینه طلاق مواجه است، اما توسعه تدریجی مفهوم عسر و حرج، پذیرش شرط وکالت در طلاق، و جرم‌انگاری ترک انفاق، نشانگر حرکت این نظام به سمت تأمین عدالت جنسیتی، حمایت از کرامت انسانی زن و حفظ بنیان خانواده در چارچوب اصول اسلامی است. استمرار اصلاحات قانونی و تبیین رویه‌های قضایی منسجم می‌تواند گام مؤثری در جهت تحقق توازن حقوقی میان زن و مرد در فرآیند انحلال نکاح باشد.

## ۶. منابع و مآخذ

۱. ابهری، حمید؛ طهماسبی، جواد، موجبات طلاق به درخواست زوجه در حقوق ایران و فقه امامیه فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره هجدهم، ۱۳۸۸، صص ۳۷-۵۲.
۲. ارجمند دانش، جعفر، بررسی قاعده عسر و حرج، چاپ اول، بهنامی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۹۹.
۳. بازگیر، یدالله، علل نقض آراء در دیوان عالی کشور، چاپ دوم، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۴.
۴. بلیک، اس‌اچ، قانون ازدواج، چاپ اول، رز، انگلیس، ۱۹۸۲، ص ۲۵۶.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ج ۲، چاپ چهل و پنجم، گنج دانش، تهران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۹.

۶. جلالی، سید مهدی، اختیار زوجه در طلاق در حقوق ایران، چاپ سوم، خرسندی، تهران، ۱۴۰۰.
۷. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه حسین کمیاب، چاپ پنجم، نشر بهنود، تهران، ۱۳۹۳، ص ۶۸.
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، چاپ شصتم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۹۴، ص ۶۷۸.
۹. رادفورد، آر، فمینیسم و ازدواج، ترجمه شاهین اکبری، چاپ اول، دانشگاه لندن، انگلیس، ۲۰۰۵، ص ۱۲۵.
۱۰. ردmond، جرج، اصول کلی از حقوق انگلیس، ترجمه قادر احمدی، چاپ اول، پی دیلو، لندن، ۱۹۶۶، ص ۶۵.
۱۱. رضایی، مریم، مبغوضیت طلاق در اسلام، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۳۰، ۱۳۸۳، ص ۶۲.
۱۲. زنجانی سید موسی شبیری. کتاب نکاح، جلد ۲۵. چاپ اول. قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز؛ ۱۳۷۷. ص. ۱۳۵-۱۲۷.
۱۳. زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح، ج ۲۵، چاپ اول، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم، ۱۴۱۹ ه.ق، ص ۱۲۷.
۱۴. سروریان، سید محمد کمال، افول خانواده در آمریکا و انگلیس مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۶، ۱۳۸۳، صص ۲۰۳ تا ۲۲۹.
۱۵. شکاری، روشنعلی؛ کریمیان، اسماعیل، طلاق زوجه غائب مفقودالاثر و آثار آن، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره، ۴۱ شماره ۱، ۱۳۹۰، صص ۲۵۸ - ۲۴۱.
۱۶. صفایی، سید حسن؛ امامی، اسدالله، حقوق خانواده، ج ۲، چاپ شصتم، میزان، تهران، ۱۴۰۲، ۱۸۲.
۱۷. عابدینی، مطهره، انتخاب همسر، چاپ دوم، نشر حدیث راه عشق، تهران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴.
۱۸. عراقی، عزت الله، آیا می دانید طلاق و مسائل آن کدامند؟، چاپ اول، نشر پلیکان، تهران، ۱۳۸۹، ص ۳۶.
۱۹. علایی نوین، فروزان، بررسی حق طلاق زنان در فقه امامیه و حقوق موضوعه، فدک، سال اول، شماره ۲، ۱۳۸۹، صص ۱۲۷.
۲۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ بیست و هفتم، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۳، ص ۳۴۵.
۲۱. قانون حمایت از خانواده مصوب. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۴۶ ص. ۱-۱۲.
۲۲. قانون حمایت از خانواده مصوب. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ص. ۱۳۵۳-۸-۱۴.
۲۳. قانون حمایت از خانواده، مصوب. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۱ ص. ۵۳.
۲۴. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران. مصوب ۱۳۱۳/۱۹۲۸. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ص. ۱۱۲۹-۱۱۳۰، ۱۰۲۹.
۲۵. کاتوزیان ناصر. حقوق خانواده، جلد دوم. تهران: انتشارات میزان؛ ۱۳۹۱. ص. ۱۲۷-۱۳۵.
۲۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده (جلد اول). چاپ دوازدهم، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶.
۲۷. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، جلد دوم. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۱.
۲۸. گواهی، زهرا؛ هژبری، نسرين، بررسی تطبیقی نفقه زن در حقوق ایران، انگلیس و آمریکا، دو فصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال ۱۹، شماره ۶۱، ۱۳۹۳، ص ۸۹.
۲۹. گواهی، زهرا، بررسی حقوق زنان در مسئله طلاق»، چاپ اول، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۵۸.
۳۰. لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص. تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۵۸ ص ۱۵-۳.

۳۱. لطفی، اسدالله، حقوق خانواده، چاپ اول، خرسندی، تهران، ۱۳۹۸، ص ۶۸.
۳۲. محقق داماد، سید مصطفی، پیشین، ص ۳۷۳؛ علوی قزوینی، علی، طلاق حاکم و ماهیت حقوقی آن، مجله‌ی نامه مفید، ۱۳۷۶، ص ۱۱۳.
۳۳. محقق داماد، مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده، چاپ بیست و یکم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، ۱۴۰۲، ص ۱۶۳.
۳۴. محمدزاده پاکدل، الناز؛ شفیعی، مریم؛ ابراهیمی، سمیه؛ عزوجی، فرناز؛ سیف‌اللهی، فاطمه؛ نفقه زوجه در نظام حقوقی ایران، انگلستان، فرانسه و چند کشور دیگر، نشریه فقه و حقوق، ۱۳۹۴، ص ۱۴.
۳۵. مطهری، مرتضی، ختم نبوت، مشهد، نشر وحی، چاپ بیست و هشتم، صدر، تهران، ۱۳۹۵، ص ۷۸.
۳۶. موسوی گرمارودی، محمد. حقوق خانواده و طلاق در ایران. چاپ دوم. تهران: نشر میزان؛ ۱۳۹۰. ص. ۱۵-۷۸.
۳۷. نقوی، سیدحسین؛ کرامتی، داود، تبیین حق طلاق زوجه در قوانین موضوعه با تاکید بر ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه دوره ۳، شماره ۲، ۱۳۹۶، ص ۹۱.
۳۸. هنریان، مسعود؛ یونسی، جلال، بررسی علل طلاق در دادگاه های خانواده تهران، فصلنامه مطالعات، روانشناسی بالینی، سال اول، شماره سوم، ۱۳۹۰، ص ۵۶.

## A Comparative Study of the Conditions for Divorce Initiated by the Wife under Iranian and English Law

Mohammad Esmail Shadravan\*<sup>1</sup>

Sahar Farhoud<sup>2</sup>

### Abstract

The present study aims to conduct a comparative analysis of the conditions under which a wife may petition for divorce under Iranian and English law, highlighting their similarities and differences. The research method is descriptive-comparative, and data were collected through documentary analysis. The findings indicate that in Iran, a wife seeking divorce must establish grounds such as hardship ('osr va ḥaraj), the husband's absence or imprisonment, inability to provide maintenance (nafaqah), or a delegated right of divorce stipulated in the marriage contract. Other causes, including addiction, long-term criminal conviction, incurable disease, or the husband's misconduct, may also justify divorce. In England, both spouses possess equal rights to file for divorce, and there is no requirement to prove the other party's fault. However, at least one year must have passed since the marriage, and the relationship must have irretrievably broken down. Circumstances such as prolonged separation, unreasonable behavior, adultery, incurable illness, extended service, or mutual consent may constitute valid grounds for divorce. Overall, both legal systems recognize the wife's right to initiate divorce, yet differences exist in the scope and manner of exercising this right, while the underlying causes leading to divorce reveal certain similarities.

### Keywords

Divorce, Husband, Wife, Iranian Law, English Law

1. Faculty Member, Department of Jurisprudence & Fundamentals of Law, Islamic Azad University, Arak, Iran.

(\*Corresponding Author: M.shadravan1351@gmail.com).

2. M.A. in Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Arak, Iran (sahar.farhood79@gmail.com)